

موسوم به دعاء «الْشَّابُّ الْمَأْخُودُ بَدَنِهِ» (جوانی که به سبب گناهش مجازات شده بود)، منقول از کتب کَفَعَمَى و مُهَجِّ الدَّعَوَاتِ ، و آن دعائی است که تعلیم فرموده آنرا حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام به جوایی که بواسطه گناه و ستم در حق پدر خویش شل شده بود پس این دعا را خواند در خواب حضرت رسول صلی الله علیه و آله را دید که دست بر اندام او مالید و فرمود محافظت کن بر اسم اعظم خدا که کار تو بخیر خواهد بود پس بیدار شد در حالتی که تندرست بود و دعا این است :

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَلُكَ بِاسْمِكَ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

خدایا از تو می خواهم به نامت **بِسْمِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ**

یا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ یا حَیُّ یا قَیُّوْمُ یا حَیُّ لا إِلَهَ إِلاَّ أَنْتَ

ای صاحب جلال و بزرگواری ای زنده پاینده ای زنده ای که معبودی جز تو نیست  
یا هُوَ یَا مَنْ لا یَعْلَمُ ما هُوَ وَ لا کَیْفَ هُوَ وَ لا آیْنَ هُوَ وَ لا حَیْثُ هُوَ إِلاَّ هُوَ

ای کسی که جز او کسی نداند که چیست او و چگونه است او و در کجاست او و در کدام سو است

یا ذَا الْمُلْکِ وَالْمَلْکُوتِ یا ذَا الْعِزَّةِ وَالْجَبْرُوتِ یا مَلِکُ یا قُدُّوسُ

ای دارای ملک و ملکوت ای دارای عزت و جبروت (قهر و قدرت) ای پادشاه جهان ای منزله از هر عیب

یا سَلامُ یا مُؤْمِنُ یا مُهَيِّمُ یا عَزِيزُ یا جَبَّارُ یا مُتَكَبِّرُ یا خَالِقُ

ای سالم از هر نقص ای ایمنی بخش ای نگهبان ای عزیز ای دارای قهر ای با عظمت ای آفریننده

یا باریُّ یا مُصَوِّرُ یا مُفِیدُ یا مُدَبِّرُ یا شَدِیدُ یا مُبْدِئُ یا مُعِیدُ یا مُبِیدُ

ای پدید آورنده ای صورت بخش ای سود دهنده ای تدبیر کننده ای محکم کار ای سبب آغاز خلقت و ای سبب پایان آن ای نابود کننده

یا وَدُودُ یا مَحْمُودُ یا مَعْبُودُ یا بَعِیدُ یا قَرِیبُ یا مُجِیبُ یا رَقِیبُ

ای محبت شعار ای پسندیده ای معبود خلق ای دور و ای نزدیک ای پاسخ دهنده ای نگهبان

یا حَسِیبُ یا بَدِیعُ یا رَفِیعُ یا مَنِیعُ یا سَمِیعُ یا عَلِیمُ یا حَلِیمُ یا کَرِیمُ

ای حساب دارنده ای نوین آفرین ای رفیع مقام ای بلند مرتبه ای شنوا ای دانا ای بردبار ای کریم

یا حَکِیمُ یا قَدِیمُ یا عَلِیُّ یا عَظِیمُ یا حَنَّانُ یا مَنَّانُ یا دِیانُ

ای فرازنه ای قدیم ای والا ای بزرگ ای مهربان و ای نعمت بخش ای پاداش ده

یا مُسْتَعانُ یا جَلِیلُ یا جَمِیلُ یا وَکِیلُ یا کَفِیلُ یا مُقِیلُ یا مُنِیلُ یا نَبِیلُ

ای یاری جسته شده ای پُر جلالت ای زیبا ای وکیل ای کفیل ای درگذرنده ای نعمت رساننده ای ماهر

یا دَلِیلُ یا هادی یا بادی یا اَوَّلُ یا اَخرُ یا ظاهِرُ یا باطِنُ یا قَائِمُ

ای راهنما ای رهبر ای آغاز کننده ای اول ای آخر ای ظاهر ای باطن ای استوار

یا دائِمُ یا عالمُ یا حاکِمُ یا قاضی یا عادِلُ یا فاصِلُ یا واصلُ یا طاهرُ

ای ابدی ای دانا ای حکم فرما ای داور ای دادگر ای جدا کننده ای پیوند کننده ای پاک

یا مُطَهَّرُ یا قَادِرُ یا مُقْتَدِرُ یا کَبِيرُ یا مُتَكَبِّرُ یا وَاحِدُ یا اَحَدُ یا صَمَدُ

ای پاکیزه ای توانا ای با اقتدار ای بزرگ ای با عظمت ای یگانه ای تک ای بی نیاز  
یا مَنْ لَمْ يَلِدْ وَ لَمْ يُولَدْ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا اَحَدٌ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ صَاحِبَةٌ وَ لَا كَانَ مَعَهُ وَزِيرٌ  
ای کسی که زاییده نشده و نیست برایش همتایی هیچکس و نیست برایش همسر و رفیقی و نباشد با او  
وزیری

وَ لَا اتَّخَذَ مَعَهُ مُمْشِرًا وَ لَا اِحتَاجَ اِلى ظَهيرٍ وَ لَا كَانَ مَعَهُ مِنْ اِلهٍ غَيرُهُ

و نگرفته برای خود مشاوری و نه نیازمند به کمک کاری است و نه معبودی جز او است شایسته ستایشی

لَا اِلهَ اِلاَّ اَنْتَ فَتَعَالَيْتَ عَمَّا يَقُولُ الظَّالِمُونَ عَلُوًّا کَبِيرًا

جز تو نیست پس تو برتری از آنچه ستمکاران گویند بسیار برتر،

یا عَلِيُّ یا شامِحُ یا باذِخُ یا فَتَّاحُ یا نَفَّاحُ یا مُرْتاحُ یا مُفَرِّجُ

ای والا ای بلند رتبه ای والا مقام ای گشاینده ای عطا بخشنده انفرج بخش ای گشایش دهنده

یا ناصِرُ یا مُنتَصِرُ یا مُدْرِكُ یا مُهْلِكُ یا مُنتَقِمُ یا باعِثُ یا وارِثُ

ای یاور ای مددکار ای دریابنده ای هلاک کننده ای انتقام گیرنده ای برانگیزنده ای ارث برنده

یا طالِبُ یا غَالِبُ یا مَنْ لا يَفُوْهُ هارِبُ یا تَوَّابُ یا اَوَّابُ یا وَهَّابُ

ای جوینده ای پیروزمند ای کسی که از دستش نرود گریز پایی ای توبه پذیر ای رجوع پذیر ای بخشنده

یا مُسَبِّبُ الاسبابِ یا مُفْتَحُ الابوابِ یا مَنْ حَيْثُ ما دُعِيَ اَجابُ

ای سبب ساز هر سبب ای گشاینده درهای بسته ای کسی که هر زمان بخوانندش اجابت کند

یا طَهُورُ یا شَكُورُ یا عَفُوُّ یا غَفُورُ یا نُورُ النُّورِ یا مُدَبِّرُ الُّمُورِ

ای پاکی بخش ای پاداش ده شاکران ای درگذرنده ای آمرزنده ای نورروشنیها ای تدبیر کننده امور

یا لَطيفُ یا حَبيرُ یا مُجیرُ یا مُنیرُ یا بصیرُ یا ظَهِيرُ یا کَبيرُ یا وَترُ

ای نعمت بخش ای بینا ای پناه ده ای روشنی ده ای بینا ای پشتیبان ای بزرگای یگانه

یا فَرْدُ یا اَبَدُ یا سَنَدُ یا صَمَدُ یا کافي یا شافي یا وافي یا مُعافي

ای بی همتا ای جاویدان ای تکیه گاه ای بی نیاز ای کفایت کننده ای شفا دهنده ای وفا دار ای صحت بخش

یا مُحسِنُ یا مُجَمِلُ یا مُنعمُ یا مُفضِلُ یا مُتکَرِّمُ یا مُتَفَرِّدُ

ای نیکوکار ای زیب بخش ای نعمت ده ای فزون بخش ای بزرگوار ای یگانه شناخته شده ،

یا مَنْ عَلا فَفَهِرَ یا مَنْ مَلَکَ فَفَقَدَرَ یا مَنْ بَطَنَ فَحَبَرَ یا مَنْ عُبِدَ فَشَكَرَ

ای که برتری بر همه قاهر است ای که فرمانروا است و نیرومند است که در درونی و از درون آگاه ای بیرستندش و او  
پاداش دهد

یا مَنْ عُصِيَ فَعَفَرَ یا مَنْ لا تَحْوِيهِ الْفِکْرُ وَ لا يُدْرِكُهُ بَصَرٌ وَ لا يَنْفِي عَلَيْهِ اَثْرُ

ای که نافرمانیش کنند و بیامرزد ای که در فکرها ننگد و دیده ای او را دریابد و هیچ کاری بر او پنهان نماند

یا رازِقَ البَشَرِ یا مُقَدِّرَ کُلِّ قَدَرٍ یا عَالِيَ الْمَکانِ یا شَدیدَ الْأَزمَانِ یا مُبَدِّلَ الزَّمانِ یا قَابِلَ الْقُرْبانِ

ای روزی ده بشر ای اندازه گیر هر اندازه ای والا مکان ای سخت قدرت ای جابجا کننده زمان ای قبول کننده قربانی

یا ذَا الْمَنِّ وَالْأِحْسانِ یا ذَا الْعِزَّةِ وَالسُّلْطانِ یا رَحيمُ یا رَحْمَنُ یا مَنْ هُوَ کُلُّ یَوْمٍ فی شَأْنِ

ای دارنده نعمت و احسان ای صاحب عزت و سلطنت ای بخشاینده ای مهربان ای که هر روز در کاری است

يا مَنْ لا يَشْغَلُهُ شَأْنٌ عَنْ شَأْنٍ يا عَظِيمَ الشَّانِ يا مَنْ هُوَ بِكُلِّ مَكَانٍ يا سَامِعَ الأَصْوَاتِ يا مُجِيبَ الدَّعَوَاتِ  
يا مُنْجِحَ الطَّلِبَاتِ

ای که کاری از کار دیگر سرگرمش نکند ای بزرگ مقام ای که درهرجا هستی ای شنوای هر صدا ای اجابت کننده دعاها ای برآورنده خواسته ها

يا قاضِيَ الحَاجاتِ يا مُنْزِلَ البَرَكاتِ يا راحِمَ العَبْرَاتِ يا مُقِيلَ العَثَرَاتِ يا كاشِفَ الكُرْبَاتِ يا وَلِيَّ الحَسَناتِ يا رافعَ الدَّرجاتِ

ای روا کننده حاجتها ای فرو فرستنده برکات ای رحم کننده بر اشکها (و گریه ها) انادیده گیرلغزشها ای برطرف کننده ناراحتیها ای بدست دارنده نیکیها ای بالا برنده مقامها  
يا مُؤْتِي السُّؤالاتِ يا مُحْيِي الأَمْواتِ يا جامعَ الشَّتاتِ يا مُطَّلِعاً عَلَي التِّيَّاتِ يا راداً ما قَد فَاتَ يا مَنْ لا تَشْتَبُه  
عَلَيْهِ الأَصْواتُ

ای دهنده خواسته ها ای زنده کننده مرده ها ای گردآورنده پراکنده ها ای آگاه برنیت های دل ای برگرداننده آنچه از دست رفته ، ای که صداها بر او مشتبه نشود

يا مَنْ لا تُضَجِرُهُ المَسْئَلاتُ وَ لا تُعْشاهُ الظُّلماتُ يا نُورَ الأَرْضِ والسَّمواتِ يا سابِعَ النِّعَمِ يا دافعَ النِّعَمِ  
ای که زیادی خواهشها او را به ستوه و خستگی در نیاورد و تاریکیها او را فرا نگیرد ای روشنی زمین و آسمانها ای سرشار دهنده نعمتها ای جلوگیری رنج و ملالها

يا باری النَّسَمِ يا جامعَ الأُمَّمِ يا شافيَ السَّقَمِ يا خالقَ النُّورِ وَالظُّلْمِ يا ذالِجُودِ وَالكَرَمِ  
ای آفریننده انسان ای گردآورنده ملتها ای بهبودی ده بیماریها ای خالق روشنی و تاریکیها ای صاحب جود و کرم  
يا مَنْ لا يَطْأُ عَرشَهُ قَدَمٌ يا أَجودَ الأَجودِينَ يا أَكْرَمَ الأَكْرَمِينَ يا أَسْمَعَ السَّماعِينَ يا أَبْصَرَ النَّاظِرِينَ يا جارا  
المُسْتَجيرِينَ يا أمانَ الحائِفِينَ

ای که گامی به عرشش نرسد ای بخشنده ترین بخشندگان ای کریم ترین کریمان ای شنواترین شنوایان ای بیناترین بینایان ای پناه پناه جویان ای ایمنی بخش ترسناکان

يا ظَهَرَ اللّاجِينَ يا وَلِيَّ المُؤْمِنِينَ يا غياثَ المُسْتَعِثِينَ يا غايَةَ الطَّالِبِينَ يا صاحِبَ كُلِّ غَريبٍ يا مُونِسَ كُلِّ وَحيدٍ

ای پشت و پناه پناهندگان ای یاور مؤ منان ای فریادرس فریادطلبان ای منتهماقصودخواهندگان ای رفیق هر غریب و مونس هر تنها

يا مَلْجأَ كُلِّ طَريدٍ يا ماوِي كُلِّ شَريدٍ يا حافِظَ كُلِّ ضالَّةٍ يا راحِمَ الشَّيخِ الكَبيرِ يا رازِقَ الطِّفْلِ الصَّغيرِ يا جابرَ العَظَمِ الكَسيرِ يا فاكِ كُلِّ أسيرٍ

ای پناه هر آواره ای جای ده هر گریخته ای نگهدار هر گمشده ای رحم کننده پیر کهنسال ای روزی ده کودک خردسال ای پیوند دهنده استخوان شکسته ای رها کننده هر گرفتاردربند ای  
يا مُعْنيَ البائِسِ الفَقيرِ يا عِصْمَةَ الحائِفِ المُسْتَجيرِ يا مَنْ لَهُ التَّدبيرُ وَالتَّقْديرُ يا مَنْ العَسيرُ عَلَيْهِ سَهْلٌ يَسيرٌ  
بی نیاز کن هر بینوای مستمند ای پناه ترسناک پناه جو ای که چاره اندیشی و اندازه گیری کارها بدست او است ای که هر مشکلی برای او سهل و آسان است

يَا مَنْ لَا يَحْتَاجُ إِلَى ذَنْفَسِيرٍ يَا مَنْ هُوَ عَلَى كُدْشَيْءٍ قَدِيرٌ يَا مَنْ هُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ حَبِيرٌ يَا مَنْ هُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ  
بَصِيرٌ

ای کهبی نیازی ازشرح و تفسیر ای که بر هر چیز توانایی ای که بهر چیز خبیر و آگاهی ای که به هر چیز بینایی  
یا مُرْسِلَ الرِّيحِ يَا فَالِقَ الْأَصْبَاحِ يَا بَاعِثَ الْأَرْوَاحِ يَا ذَا الْجُودِ وَالسَّمَّاحِ يَا مَنْ بِيَدِهِ كُلُّ مِفْتَاحٍ يَا سَامِعَ كُلِّ  
اصْوَتٍ

ای فرستنده بادها ای شکافنده روشنی صبح ای برانگیزنده جانها ای صاحب جود و سخا ای که بدست قدرت او  
است هر کلید ای شنونده هر صدا

يَا سَابِقَ كُلِّ قُوْتٍ يَا مُحْيِيَ كُلِّ نَفْسٍ بَعْدَ الْمَوْتِ يَا عُذَّتِي فِي شِدَّتِي يَا حَافِظِي فِي غُرْبَتِي يَا مُوَسِّئِي فِي  
وَحْدَتِي يَا وَليِّي فِي نِعْمَتِي

ای جلوتر از هر گذشته ای زنده کننده هر شخصی پس از مرگ ای ذخیره من درروزسختی و دشواری ای نگهدارم در  
روز غربت و بی کسی ای همدم در تنهایی اولوی نعمتم

يَا كَهْفِي حِينَ تُعَيِّنِي الْمَذَاهِبُ وَ تُسَلِّمُنِي الْأَقْرَابُ وَ يُخَذِّلُنِي كُلُّ صَاحِبٍ يَا عِمَادَ مَنْ لَا عِمَادَ لَهُ يَا سَنَدَ  
مَنْ لَا سَنَدَ لَهُ

ای پناهگاه من در آن هنگام که راهها مرا مانده و خسته کنند و نزدیکان مرا واگذارند و هر رفیق و دوستی دست از  
یاریم بکشند ای تکیه گاه هرکس که تکیه گاهی ندارد ای پشتوان آن کس که پشتوانه ندارد

يَا ذُخْرَ مَنْ لَا ذُخْرَ لَهُ يَا حِرْزَ مَنْ لَا حِرْزَ لَهُ يَا كَهْفَ مَنْ لَا كَهْفَ لَهُ

ای ذخیره تهیدستان ای نگهدار کسی که نگهداری ندارد ای پناهگاه آن کس که پناهگاهی ندارد

يَا كُنْزَ مَنْ لَا كُنْزَ لَهُ يَا رُكْنَ مَنْ لَا رُكْنَ لَهُ يَا غِيَاثَ مَنْ لَا غِيَاثَ لَهُ يَا جَارَ مَنْ لَا جَارَ لَهُ يَا جَارِي اللَّصِيقِ  
ای گنج بی گنجان ای پایه محکم آن کس که پایه محکمی ندارد ای فریادرس کسی که فریادرس ندارد ای همسایه  
بی همسایگان ای همسایه به من پیوسته

يَا رُكْنِي الْوَثِيقَ يَا إِلَهِي بِاللَّتَّحْقِيقِ يَا رَبَّ الْبَيْتِ الْعَتِيقِ يَا شَفِيقُ يَا رَفِيقُ فُكْنِي مِنْ حَلَقِ الْمَضِيقِ

ای رکن استوار من ای معبود مسلم من ای پروردگار خانه کعبه ای مهربان ای رفیق های

وَاصْرِفْ عَنِّي كُلَّ هَمٍّ وَ غَمٍّ وَ ضِيقٍ وَ أَكْفِنِي شَرَّ مَا لَا أَطِيقُ وَ أَعِنِّي عَلَى مَا أَطِيقُ

آزادم کن از حلقه تنگ روزگار و بگردان از من هر غم و اندوه و فشاری را و کفایت کن مرا از هر چه طاقتش را ندارم و  
یاریم کن بر آنچه طاقتش را دارم

يَا رَادَّ يُوْسُفَ عَلَى يَعْقُوبَ يَا كَاشِفَ ضُرِّ أَيُّوبَ

ای که یوسف را به یعقوب برگرداندی ای که ایوب را از گرفتاری نجات بخشیدی

يَا غَافِرَ ذَنْبِ دَاوُدَ يَا رَافِعَ عِيسَى بْنِ مَرْيَمَ وَ مُنْجِيَهُ مِنْ أَيْدِي الْيَهُودِ

ای آمرزنده خطای داود ای بالا برنده عیسی بن مریم و نجات دهنده او از دست یهود

يَا مُجِيبَ نِدَاءِ يُوسُفَ فِي الظُّلُمَاتِ يَا مُصْطَفِي مُوسَى بِالْكَلِمَاتِ

ای پاسخ دهنده آواز یونس در تاریکیهای دریا ای برگزیننده موسی بوسیله سخن گفتن بدان کلمات

يَا مَنْ عَفَرَ لِأَدَمَ حَطِيئَتَهُ وَ رَفَعَ إِدْرِيسَ مَكَانًا عَلِيًّا بِرَحْمَتِهِ

ای که بخشیدی بر آدم خطایش را و ادريس را از رحمت خویش به جایی بلند بردی

يا مَنْ نَجَّى نُوحًا مِنَ الْعَرَقِ يا مَنْ أَهْلَكَ عَادًا الْأُولَى وَ ثَمُودَ فَمَا أَبْقَى

ای که نوح را از غرق نجات دادی ای که قوم عاد قدیم را هلاک کردی و ثمودیان را باقی نگذاشتی

وَ قَوْمِ نُوحٍ مِنْ قَبْلُ إِنَّهُمْ كَانُوا هُمْ أَظْلَمَ وَ أَطْعَى وَالْمُؤْتَفِكَةَ أَهْوَى

و پیش از آنها قوم نوح را که آنها ستمگرتر و سرکش تر بودند و دهکده های واژگون را بیفکندی

يا مَنْ دَمَّرَ عَلَى قَوْمِ لُوطٍ وَ دَمَّدَمَ عَلَى قَوْمِ شُعَيْبٍ

ای که نابودی بر قوم لوط فرستادی و هلاک کردی قوم شعیب را

يا مَنْ اتَّخَذَ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلًا يا مَنْ اتَّخَذَ مُوسَى كَلِيمًا

ای که ابراهیم را خلیل گرفتی ای که موسی را هم سخن خود ساختی

وَ اتَّخَذَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ حَبِيبًا

و محمد صلی الله علیه و آله را حبیب خود کردی

يا مُؤْتِي لُقْمَانَ الْحِكْمَةَ وَالْوَاهِبِ لِسُلَيْمَانَ مُلْكَ لا يَنْبَغِي لِأَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ

ای که به لقمان حکمت عطا کردی و به سلیمان فرمانروایی و پادشاهی آن چنانی دادی که برای هیچکس پس از او شایسته نبود

يا مَنْ نَصَرَ ذَا الْقُرْنَيْنِ عَلَى الْمُلُوكِ الْجَبَّارَةِ يا مَنْ أَعْطَى الْخَضِرَ الْحَيَوَةَ وَرَدَّ لِيُوشَعَ بْنِ نُونٍ الشَّمْسَ بَعْدَ غُرُوبِهَا

ای که ذوالقرنین را بر پادشاهان سرکش یاری دادی ای که به خضر آب حیات دادی و برای یوشع بن نون آفتاب را پس از غروب کردن برگرداندی

يا مَنْ رَزَقَ عَلَى قَلْبِ أُمِّ مُوسَى وَأَخَصَّنَ فَرْجَ مَرْيَمَ ابْنَتِ عِمْرَانَ

ای که به دل مادر موسی آرامش بخشیدی و دامن مریم دختر عمران را از آلودگی نگهداشتی

يا مَنْ حَصَّنَ يَحْيَى بْنَ زَكَرِيَّا مِنَ الذَّنْبِ وَ سَكَّنَ عَنْ مُوسَى الْعَضْبَ يا مَنْ بَشَّرَ زَكَرِيَّا بِيَحْيَى

ای که یحیی بن زکریا را از گناه حفظ کردی و خشم موسی را فرو نشاندی ای که زکریا را به ولادت یحیی مزده دادی

يا مَنْ فَدَا إِسْمَاعِيلَ مِنَ الذَّبْحِ بِذَبْحِ عَظِيمٍ يا مَنْ قَبِلَ قُرْبَانَ هَابِيلَ وَ جَعَلَ اللَّعْنَةَ عَلَى قَابِيلَ

ای که اسماعیل را به آن ذبح عظیم فدا فرستادی ای که قربانی هابیل را پذیرفتی و لعنت را بر قابیل مقرر ساختی

يا هَازِمَ الْأَحْزَابِ لِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَلَى جَمِيعِ الْمُرْسَلِينَ

ای پراکنده کننده احزاب برای پشتیبانی محمد صلی الله علیه و آله درود فرست بر محمد و آل محمد و بر تمامی رسولان

وَ مَلَائِكَتِكَ الْمُقَرَّبِينَ وَ أَهْلَ طَاعَتِكَ أَجْمَعِينَ وَ أَسْأَلُكَ بِكُلِّ مَسْئَلَةٍ سَأَلْتُكَ بِهَا أَحَدٌ مِّنْ رِّضِيَتِ عَنْهُ

فَحَتَمْتُ لَهُ عَلَى الْأَجَابَةِ

و فرشتگان مقرب و همه آنان که فرمانبرداری تو کنند و از تو می خواهم به هر سؤالی که از تو می کنند هر يك از آن اشخاصی که از آنها راضی هستی و در نتیجه اجابت رابرایش مسلم کردی

يا اللَّهُ يا اللَّهُ يا اللَّهُ يا رَحْمَنُ يا رَحْمَنُ يا رَحِيمُ يا رَحِيمُ يا رَحِيمُ يا رَحِيمُ

ای خدا ای خدا ای بخشاینده ای بخشاینده ای بخشاینده ای مهربان ای مهربان ای مهربان

يا ذَا الْجَلالِ وَالْإِکْرَامِ يا ذَا الْجَلالِ وَالْإِکْرَامِ يا ذَا الْجَلالِ وَالْإِکْرَامِ

ای صاحب جلال و بزرگواری ای صاحب جلال و بزرگواری ای صاحب جلال و بزرگواری

بِهِ بِهِ بِهِ بِهِ بِهِ بِهِ بِهِ بِهِ بِهِ بِهِ بِهِ

بدان بدان بدان بدان بدان بدان بدان بدان بدان بدان بدان بدان نامیدی

أَوْ أَنْزَلْتَهُ فِي شَيْءٍ مِنْ كُتُبِكَ أَوْ اسْتَأْثَرْتَ بِهِ فِي عِلْمِ الْغَيْبِ عِنْدَكَ  
یا در یکی از کتابهای خود آن را نازل کردی یا آن را در علم غیب برای خویشتن برگزیدی  
وَ بِمَعَاقِدِ الْعِزِّ مِنْ عَرْشِكَ وَ بِمَنْتَهَى الرَّحْمَةِ مِنْ كِتَابِكَ

و بدان وسائلی که عرشت را عزت بخشید و به منتهای رحمت از کتابت  
وَ بِمَا لَوْ أَنَّ مَا فِي الْأَرْضِ مِنْ شَجَرَةٍ أَقْلَامٍ وَ الْبَحْرِ يَمْدُ مِنْ بَعْدِهِ سَبْعَةُ أَبْحُرٍ مَا نَفَدَتْ كَلِمَاتُ اللَّهِ  
و بدانچه اگر هر درختی که در زمین است قلم باشند و دریا با هفت دریای دیگر که آن را کمک دهند مرکب بود کلمات  
خدا تمام نمی شد

إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ وَ اسْتَلِّكَ بِأَسْمَائِكَ الْحُسْنَى الَّتِي نَعْتَهَا فِي كِتَابِكَ  
براستی خدا نیرومند و فرزانه است و از تو می خواهم به حق آن نامهای نیکویت که در قرآن توصیفشان کرده ای  
فَقُلْتُ لِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى فَادْعُوهُ بِهَا وَ قُلْتُ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ  
و فرموده ای : و برای خدا است نامهای نیکو پس او را بدان نامها بخوانید و باز فرمودی مرا بخوانید تا اجابت کنم شما  
را

وَ قُلْتُ وَ إِذَا سَأَلْتَ عِبَادِي عَنِّي فَأَنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ  
و نیز فرمودی و هرگاه بندگان من از تو درباره من بپرسند پس من نزدیکم و پاسخ دهم دعای خواننده را هنگامی که  
مرا بخواند

وَ قُلْتُ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَى أَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ  
الْغَفُورُ الرَّحِيمُ

و فرمودی : ای بندگان من که بر نفس خویش اسراف و زیاده روی کردید از رحمت خدا نومید نشوید که خدا همه  
گناهان را بیامرزد و او است آمرزنده مهربان

وَ أَنَا أَسْأَلُكَ يَا إِلَهِي وَ أَدْعُوكَ يَا رَبِّ وَ أَرْجُوكَ يَا سَيِّدِي

و من از تو می خواهم ای معبودم و می خوانمت پروردگارا و امیدوار توام ای آقای من

وَ أَطْمَعُ فِي إِجَابَتِي يَا مَوْلَايَ كَمَا وَعَدْتَنِي وَ قَدْ دَعَوْتُكَ كَمَا أَمَرْتَنِي

و از تو طمع اجابت دارم ای مولای من چنانچه به من وعده داده ای و من تو را خواندم چنانچه به من دستور دادی

فَافْعَلْ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ يَا كَرِيمُ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

پس انجام ده درباره من آن آنچه را تو شایسته آنی ای کریم و ستایش مخصوص پروردگار جهانیان است

وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ أَجْمَعِينَ

و درود خدا بر محمد و آلش همگی

پس ذکر کن حاجت خود را که برآورده است این شاء الله تعالی و در روایت مهج الدعوات است که نمی خوانی  
این دعا را مگر آنکه با طهارت باشی.

<https://parsiday.com>